

۱۱ - نهی از مُسکرات<sup>۱</sup>

در کتاب اقدس است **قوله تعالی**: لیسَ للعاقِلِ ان یشربَ ما یذهبُ به العقلُ و له أن یمعلَ ما ینبغی للانسانِ لا ما یرتکبه کلُّ غافلٍ مریبٍ .

**و در لوحی است . قوله جلّ و علا**: ابن ذبیح غلام قبل علی الاعظم الابهی ای غلام مالک انام و سلطان ایام میفرماید طوبی از برای نفسی است که الیوم بذکر الله ذاکر و بشطرش ناظر است الیوم بر کلّ خدمت امر مالک غیب و شهود لازم است نیکوست حال نفسی که بخدمتش قیام نمود و بحبّش بین اهل ملاً اعلی و ساکنین مدائن انشاء معروف گشت . ای سرمستان خمر عرفان در این صباح روحانی از کأس الطاف رحمانی صبح حقیقی بیاشامید این خمر توحید را خمار دیگر است و خمارش را کیفیت دیگر آن از شعور بکاهد و این بر شعور بیفزاید آن نیستی آورد و این هستی بخشد آن را صداع از عقب و این را حبّ مالک ابداع همراه . بگو ای خلق محجوب حق ساقیست و اعطای کوثر باقی میفرماید آن اسرعو الی ما ارادَ لکم معرضاً عمّا اردتم هذا خیرٌ لکم و اسمی المهیمن علی العالمین ذکر اخیک من قبَلِ ربک و امک و الذین آمنوا بالله العلیم الخبیر .

**و در لوحی است قوله جلّ و عزّ**: ایاکم أن تبدلوا خمرَ الله بخمرِ انفسیکم لآتها یخامرُ العقلَ و یقلّبُ الوجهَ عن وجه الله العزیز البدیع و انتم لاتتقرّبوا بها لآتها حرّمت علیکم من لدی الله العلیّ العظیم .

**و در لوحی دیگر قوله الاعلی**: بسم الذی کان ظاهراً فوق کلّشیئی هذا کتابٌ من لدی المسجون الی الّتی آمنت برّها و کانت من القانتات و عرفت ربهّا فی ایام الّتی کلّ غفلوا عنه إلا الذین هم انقطعوا من الدنیا و بلغوا الی مقرّ الذی جعله الله مقدّساً عن الاسماء و الصّفات ان یا امة الله اسمعی نداءً هذا الغلام الذی ظهّر فی قطب

<sup>۱</sup> در قرآن است . " یا ایها الذین آمنوا انما الخمرُ و المیسرُ و الانصابُ و الزلّامُ رجسٌ من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون انما یرید الشیطان أن یؤفّق بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدّدکم عن ذکر الله و عن الصلوة فهل انتم منتهون . در امثال سلیمان اصحاح ۲۳ " لا تکن بین شریبی الخمر . . . لمن الویل لمن الشقاء لمن المخاصمات لمن الكرب لمن الجرح بلا سبب لمن ازمهرارا لعینین للذین یدمنون الخمر لا تنظر الی الخمر اذا احمرت حین تظهر حبابها فی الکاس و راغت مرفقه تلسع کالحیة و تلدغ کالافعوان . و در کتاب اشعیا اصحاح ۵ " وای بر آنانکه سحرگاه برمیخیزند تا آنکه پیروی مسکرات نموده تا بشام درنگ مینماید که شراب ایشان را گرم نماید و در مجالس خود بریط و سنتور و دف و نای و شراب موجود دارند وای بر آنانکه بنوشیدن شراب ههلوان و در مزج مسکرات قوت مندند . " و در کتاب حبقوق اصحاح ۲ " به حقاً انّ الخمر غادره . " و در سفر تثویه اصحاح ۲۱ " به مشایخ شهرش بگوئید این پسر ما باغی و یاغی شده و بقول ما گوش نمیدهد اکول و میخواره است پس تمامی مردمان شهرش او را بسنگ سنگسار نمایند تا بمیرد . " و در انجیل لوقا باب اول " زیرا که او نزد خداوندگار بزرگ میشود و شراب و خمر نخواهد آشامید و هم از شکم مادر خود به روح القدس مملو خواهد گردید و در نامه پولس به اهل افسس باب ۵ " مست شراب مشوید که در آن فساد است بلکه مملو از روح باشید . "

الآفاق بملکوت الآيات لیجذبک ندائہ و یقطعک عما خلُق فی الدنیا و یقرّبک الی مکمن الظّهورات طهری نفسک عما یکرهه الله ثم اذکر به بقلبک و لسانک و لا تكونی من الصّامات ایاک انّ تعملی ما یضیع به امر الله بین عباده لانّ الناس یرجعن کلّ عمل سوء الی هذا المقام الذی قدسه عن کلّ الجهات و الاشارات انّ اشربن یا اماء الله خمر المعانی من کؤوس الکلمات ثم اترکن ما یکرهه العقول لانّها حرمت علیک فی الالواح و الزّبرات ایاک انّ تبدلن کوثر الحیوان بما تکرهه انفس الزّاکیات ان اسکرن بخمر محبّة الله لا بما یخامر به عقولک یا ایّها القانتات انّها حرمت علی کلّ مؤمن و مؤمنة كذلك اشرق شمس الحکم من افق البیان تستضیئ بها اماء المؤمنات و الروح علی کلّ من عمل بما امر من لدی الله و کان من الطّاهرات التّائبات .

**و در کلمات مکنونه است قوله جل و علا :** بگو ای پست فطرتان از شراب باقی قدسم چرا به آب فانی رجوع نمودید .

**و قوله عزّ بینه :** ای پسر خاک از خمر بی مثال محبوب لایزال چشم مپوش و بخمر کدره فانیه چشم مگشا .

**و قوله الحق :** ای پسر انسان شبندی از ژرف دریای رحمت خود بر عالمیان مبذول داشتیم و احدی را مقبل نیافتم زیرا که کلّ از خمر باقی لطیف بماء کثیف نبید اقبال نموده‌اند و از کأس جمال باقی بجام فانی قانع شده‌اند فبئس ما هم به یقنعون .

**و از حضرت عبدالهء در ضمن مرقومه مبارکه است قوله اللطیف :** جمیع نفوس را نصیحت نمائید که با وجود آنکه جام باقی و خمر الهی میسر هیچ فطرت پاکی به این آب فانی منتن میل می‌نماید لا و الله .

**و در خطابی دیگر :** پس باید کوثر باقی را طلبید نه ماء تلخ فانی و الهء علی الذین سکروا من خمر محبة الله .

**و از حضرت ولیّ امر الله در ابلاغیه ایست قوله العدل :** شرب و استعمال افیون از محرّمات است و شارب بهائی نه و در زمره مؤمنین داخل نیست ولی اگر ترک آن دفعة واحدة ضرر کلی داشته باشد درین صورت مؤمن حقیقی باید در کمال صمیمیت متدرجاً اقدام به ترک آن نماید .

**و قوله الفصل:** بواسطه آقا رحمت الله خان علائی علیه بهاء الله سفارش اکید گشت که شرب خمر و تریاک از محرّمات منصوصه حتمیه است لهذا اگر افراد اجتناب ننمایند و متدرّجاً ترک نکنند و از نصیحت و انداز محفل متنّبه نشوند و عمداً مداومت نمایند انفصال آنان را از جامعه به کمال حزم و متانت اعلان نمائید .

**و در ابلاغیه دیگر راجع بسؤال سوّم فرمودند:** بنویس این عمل قبیح و مذموم است و دلیل ترویج منهیات امریه ترک آن از فرائض وجدانیّه بهائیان حقیقی محسوب اگر بهائیان محل خویش را اجاره دهند و بهیچ وجه من الوجوه مداخله ننمایند و تائید شخص مستأجر را نکنند مسؤولیت از آنان مرتفع شخص مالک باید بجمیع وسائل متشبّث گردد که ملک خویش را از لوٹ این گونه امور دنیّه مصون و محفوظ نماید تا چه رسد به اینکه خود شخصاً مباشرت باین اعمال مردوده نماید .